

## Studying the Principle of Individual Differences in Education from the Viewpoints of Qur'anic Commentators

Batoul Abdal\*

Kavoos Roohi\*\*, Seyed Mahdi Sajadi\*\*\*, Nehleh Gharavi\*\*\*\*

### Abstract

Every human being is a unique version and no two human beings with the same characteristics can be found in the universe. The scholars of the field of education have referred to individual differences as the "principle of moderation", and this is one of the principles that most have paid attention to. In the Holy Qur'an the verses referring to this are sometimes the basics of education and sometimes the principles of education. This article extracts the verses referring to this category by descriptive and conceptual analysis and analyzes the viewpoints of Quranic commentators. Islamic education scholars have made very brief references to some verses while the Holy Qur'an has endorsed and categorized individual differences between humans, which include physical, mental and social differences. He introduced the features of the system of creation and in some cases the tests of servants.

**Keywords:** Principle of Practice Individual Differences, Qur'an Interpreters, Islamic, Education.

\* Ph.D. Student of Quranic Sciences and Hadith, Tarbiyat Modares University, b.abdal@modares.ac.ir

\*\* Associate Professor of Hadith and Quranic Studies, University of Tarbiyat Modares, Tehran, Iran (Corresponding Author), k.roohi@modares.ac.ir

\*\*\* Professor of Hadith and Quranic Studies, University of Tarbiyat Modares, sajadism@modares.ac.ir

\*\*\*\* Professor of Hadith and Quranic Studies, University of Tarbiyat Modares, naeeni\_n@modares.ac.ir

Date received: 02.03.2020, Date of acceptance: 08.09.2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مطالعه و تحلیل اصل تفاوت‌های فردی در تربیت از دیدگاه مفسران قرآن

بتول ابدال\*

کاوس روحی برندق\*\*، سید مهدی سجادی\*\*\*، نهله غروی نائینی\*\*\*\*

### چکیده

هر انسانی نسخه‌ای منحصر به فرد است و در عالم وجود هیچ دو انسانی با ویژگی‌های کاملاً یکسان یافت نمی‌شوند. اندیشمندان حوزه تربیت، تفاوت‌های فردی را با عنوان "اصل تفرد" بیان داشته‌اند و این اصل از جمله اصولی است که اکثراً به آن توجه داشته‌اند. در قرآن کریم آیاتی که به این موضوع اشاره شده، گاهی جز مبانی و گاهی جز اصول تربیت است. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی مفهوم، آیاتی را که به این مقوله اشاره داشته استخراج نموده و دیدگاه مفسران قرآن را مورد مطالعه و تحلیل قرار داده است. اندیشمندان حوزه تربیت اسلامی اشاره‌ای بسیار گذرا به برخی از آیات داشته‌اند، در حالی که قرآن کریم به تفاوت‌های فردی میان انسانها که شامل تفاوت‌های جسمی و روحی و اجتماعی است، صحنه گذاشته و این تفاوت‌ها را طبقه‌بندی نموده است و آن را از ویژگی‌های نظام آفرینش و در برخی موارد آزمایش‌بندگان معرفی کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** اصل تفرد، تفاوت‌های فردی، مفسران قرآن، تربیت اسلامی

\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، b.abdal@modares.ac.ir

\*\* دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)، k.roohi@modares.ac.ir

\*\*\* استاد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، sajadism@modares.ac.ir

\*\*\*\* استاد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، naeeni\_n@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

## ۱. مقدمه

ناهمسانی از ویژگی‌های برجسته نوع انسان است و از آن به تفرد (uniqueness) یاد می‌شود. این اصل از مهمترین اصول تربیتی شناخته شده است و یکی از سه ویژگی اصلی تعلیم و تربیت جدید یعنی آزادی، دموکراسی و تفرد است. (رفیعی، ۱۳۸۱: ۱۴۱-۱۴۲).

تحقیق راجع به تفاوت‌های فردی، بخشی از مباحث روان‌شناسی است که بیش از یک قرن قدمت دارد. نظریه‌های تفاوت فردی به تفاوت بین افراد، یا آنچه هر کسی را منحصر به فرد می‌سازد، می‌پردازند و جنبه‌هایی بیشتر از نظریه‌های هوش و شخصیت را شامل می‌شود. (پرموزیک و دیگران، ۱۳۹۱: ۱-۳)

در تحقیقات ژنتیکی اغلب تفاوت‌های زیستی افراد مورد توجه بوده است و مشخص کردن درجه‌ای که صفات تحت تأثیر عوامل زیستی قرار دارند به دانشمندان کمک کرده است تا از میزان تأثیر تربیت بر تفاوت‌های فردی آگاه شوند؛ به عنوان مثال ورزشکاری که شرایط فیزیولوژیکی مطلوب را برای ورزشی خاص از نیاکان خود به ارث برده باشد، اگر تمام عمر خود را در یک اتاق بدون هیچ‌گونه فعالیتی سپری کند و منتظر باشد تا ژن‌ها اثر خود را بگذارند، هیچ‌گاه ورزشکار نخواهد شد. (پرموزیک و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۹-۲۰) طبق چارچوب دفتر کنترل کیفیت آموزش، محور اصلی تمایز بین دانش‌آموزان، رعایت تفاوت‌هاست. زمین‌های دیگر تفاوت بین دانش‌آموزان عبارتند از: سن و میزان بلوغ احساسی و ادراکی، جنسیت، موقعیت اجتماعی و اقتصادی، مذهب، زمینه آموزشی و خانوادگی؛ که هر کدام بر میزان توانایی و نحوه کار هر دانش‌آموز تأثیرگذار خواهد بود. (جیمز و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۳)

از منظر علامه مجلسی فهم و عقول مردم در قبول مراتب عرفان و تحصیل از نظر کیفی و کمی و شدت و ضعف با یکدیگر متفاوت است و راه‌های رسیدن به خدا به عدد تعداد نفوس خلایق است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۹/۷) در خطبه ۲۳۴ نهج البلاغه آمده است: روزی در حضور امیر المؤمنین (ع) از تفاوت میان انسانها سؤال شد، حضرت فرمودند: علت تفاوت میان مردم در گوناگونی سرشت آنهاست؛ زیرا آدمیان در آغاز ترکیبی از خاک شور و شیرین و نرم و سخت بودند، پس آنان به میزان نزدیک بودن خاکشان با هم نزدیک و به اندازه دوری آن از هم دور و متفاوتند؛ یکی زیباروی و کم‌خرد، دیگری بلند قامت و کم‌همت، یکی زشت روی و نیکوکار و دیگری کوتاه قامت<sup>۱</sup> و خوش فکر، یکی پاک سرشت و بد اخلاق و دیگری خوش قلب و آشفته عقل و آن دیگری سخنوری دل‌آگاه است.

(سید رضی، ۱۳۸۹: ۳۳۴) از منظر علم خاک شناسی، هر کدام از خاک‌ها مشخصه‌های بی‌همتایی از نظر رنگ، بافت، ساختمان و محتویات دارند. عمق خاک هم متفاوت است. نوع خاک در یک منطقه، نوع گیاهانی که می‌توانند در آن رشد کنند را تعیین می‌کند.<sup>۳</sup> با توجه به این مطلب هر گیاهی در نوع خاصی از خاک رشد می‌کند و هر خاکی برای استفاده‌ای خاص مناسب است به عنوان مثال خاک‌های رسی چون دارای دانه‌های بسیار ریزی هستند، به خاک سرد معروفند و در مقابل رشد گیاهان مقاومت نشان داده و رشد آنها را محدود می‌کنند، اما برای سفالگری خاک خوب و مناسبی است.<sup>۴</sup>

روزی از پیامبر اکرم (ص) سؤال شد که آیا آدم از یک نوع خاک آفریده شد یا از تمامی خاک‌ها؟ ایشان پاسخ فرمودند: از تمامی خاک‌ها، زیرا اگر از یک نوع خاک آفریده شده بودند انسان‌ها یکدیگر را نمی‌شناختند و به یک قیافه خلق می‌شدند، همانطور که خاک انواع و اقسام متفاوتی دارد؛ خاک سفید، سبز، سرخ، مایل به سفیدی، غبارآلود، صاف، سرد، شوره‌زار خشن، نرم، مردم‌هم مانند خاک‌ها نرم، خشن، سفید، سرخ و... به رنگ خاک‌ها آفریده شده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۴۷۱/۲) با توجه به سخن پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) با اینکه همه انسانها از خاک آفریده شده‌اند، اما انواع متفاوت آن، باعث ایجاد خلقت انسان‌های گوناگون و خلق و خویهای متفاوت گردیده و اینگونه بر این تفاوت‌ها صحه گذاشته شده است.

## ۲. طرح مسأله

مسئله این پژوهش عبارتست از:  
دیدگاه قرآن راجع به تفاوت‌های فردی چیست و مفسران قرآن در این زمینه به کدام آیات استناد کرده‌اند؟

## ۳. پیشینه پژوهش

تألیفاتی که راجع به این موضوع وجود دارد را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:  
۱. تألیفاتی که اصول تربیت را به طور کلی یا اصل تفاوت‌های فردی را از منظر اندیشمندان علوم تربیتی مورد بررسی قرار داده است؛ به عنوان مثال «بررسی دیدگاه ابن سینا در باب تعلیم و تربیت»<sup>۵</sup>.

۲. تألیفاتی که این اصل را از منظر آیات و روایات مورد پژوهش قرار داده اند از جمله؛ «تفاوت‌های فردی ناشی از عوامل ژنتیکی از دیدگاه قرآن و روایات معصومین (ع<sup>ا</sup>)» در این مقاله مؤلف، بیشتر به تفاوت‌های جسمی و ژنتیکی از منظر قرآن و روایات می‌پردازد.

در مقالات مختلف، تفاوت‌های فردی از منظر ژنتیکی و روانشناسی و تربیتی مورد بررسی قرار گرفته اما نظر مفسران قرآن به طور مستقل و مبسوط مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته است. وجه تمایز این مقاله آنست که علاوه بر جمع نظرات اندیشمندان علوم تربیتی به بررسی و تحلیل نظرات مفسران قرآن راجع به این موضوع پرداخته است.

#### ۴. مفهوم شناسی تفاوت‌های فردی

تفاوت، مصدر است، به معنای از هم جدا شدن و دور شدن دو چیز، به معنای اختلاف و عدم موافقت و فرق و امتیاز و تقاضت و جدایی و دوری و مسافت و فاصله. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴/ ۵۹۹۲) تفاوت داشتن مصدر مرکب است به معنای اختلاف داشتن و موافق نبودن و فرق و امتیاز داشتن و تقاضت داشتن (همان).

تفاوت‌های فردی (Individual differences) (الفروق الفردیه<sup>۷</sup>)، تفاوت‌هایی است که یک فرد در کیفیت یا میزان صفات روحی خود، با دیگران دارد و او را از آنان متمیز و مشخص می‌نماید. هرگونه تفاوت ویژگی یا کمی که باعث امتیاز و شناخته شدن یک فرد از افراد دیگر می‌شود. (فرهمینی فراهانی، ۱۳۷۸: ۲۷۸) منظور از تفاوت‌های فردی، تفاوت‌هایی است که بین افراد بشر از نظر ویژگی‌های جسمی (قد و وزن و...) و خصوصیات روانی مانند استعداد و شخصیت وجود دارد؛ هم توارث و هم محیط در تعیین تفاوت‌های فردی نقش بنیادی دارند. (گنجی، ۱۳۷۵: ۴۹) روانشناسی تفاوت‌های فردی (Individual psychology) به مطالعه تفاوت‌های موجود در بین افراد در یک مرحله خاص می‌پردازد. (فرهمینی فراهانی، ۱۳۷۸: ۲۷۹)

#### ۵. بسامد اصل تفاوت‌های فردی در آیات قرآن

در قرآن کریم کلید واژه‌هایی که تفاوت‌های فردی بین انسانها را بیان کرده است عبارتند از اختلاف، درجه، فضل بر وزن نذر بدون تشدید، اسم مصدر از فَضَّلَ يُفْضَلُ .

آیاتی در این زمینه، مراتب انسانها و پیامبران و تفاوت آنها را نشان می‌دهد؛ این تفاوت‌ها گاهی جسمی و گاهی روحی و گاه از نظر مرتبه علمی است؛ به عنوان نمونه تفاوت‌های فردی ظاهری از جمله رنگ پوست و زبانهای مختلف با کلید واژه اختلاف بیان می‌گردد (روم، ۲۲). تفاوت‌های نوع زن و مرد (روم، ۲۲)، تفاوت درجات اهل علم و دانشمندان (یوسف، ۷۶) و تفاوت درجات اهل ایمان با کلید واژه درجه بیان شده است (انفال، ۳-۴). در دسته دیگری از آیات تفاوت بین انسانها با کلید واژه فضل اشاره می‌گردد که گاهی این برتری مخصوص برخی پیامبران است (بقره، ۲۵۳، اسراء، ۵۵) و گاهی برتری و تفاوت در برخورداری از مواهب مادی و معنوی بین انسانها (نساء، ۳۲؛ نحل، ۷۱) مورد توجه قرار گرفته است.

## ۶. آرای اندیشمندان علوم تربیتی در مورد اصل و استناد به قرآن

نظر اندیشمندان متقدم و متأخر در مورد تفاوت‌های فردی به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### ۱.۶ آرای دانشمندان متقدم

از منظر اخوان الصفا انسانها از نظر استعداد، تفاوت اطلاعات، اخلاق، عادات و طبایع و موالید متفاوت هستند و این تفاوت‌ها سبب می‌شود در گرایش به علوم و صنایع گوناگون متفاوت باشند. (اخوان الصفا؛ ۱۴۰۵: ۱ / ۲۹۱-۲۹۲) به عقیده جاحظ انسانها گذشته از خصوصیت‌های ظاهری در صفات و ویژگی‌های اخلاقی، از جمله سخاوت و بخل و زیرکی و کند ذهنی، ترسوئی و شجاعت، صبوری و عجزولی خوش حافظگی و فراموشکاری و خوش بیانی با یکدیگر متفاوتند و طبقات و مراتب مختلفی دارند. (جاحظ؛ ۱۹۵۵: ۲۵۷)

فارابی علاوه بر بیان اصل تفاوت‌های فردی به اصل تفاوت در به کارگیری شیوه‌های آموزش نیز اشاره می‌کند که برخی مواد و موضوعات آموزشی صرفاً از طریق الفاظ قابل تعلیم و تربیت هستند و برخی تنها به شیوه عملی و با مشاهده افعال معلم و تقلید از او. (فارابی؛ ۱۴۰۴: ۸۶) به عقیده او اقوام گوناگون از حیث توانایی و قدرت آموختن یکسان نیستند. (فارابی؛ ۱۳۳۶: ۸۵) استعدادهای متفاوت افراد نسبت به یکدیگر و قوت و ضعف

آن‌ها مبدأ برتری نیست؛ بلکه استفاده صحیح از استعداد و به فعلیت درآوردن آن از طریق تمرین و تکرار و پدید آوردن عادات مناسب مهم است. (فارابی؛ ۱۴۰۵: ۳۱-۳۲)

از منظر ابن سینا انسانها از نظر توان جسمی و قدرت تفکر و هوش و استعداد و جهات مختلف با یکدیگر مساوی نیستند و هر انسانی به علم خاصی علاقه مند است که روحیات او با آن دانش و صنعت ویژه تناسب دارد؛ ابوعلی سینا از بیان علل و اسباب این تفاوت‌ها اظهار ناتوانی می‌کند و معتقد است این امور از دایره فهم بشری خارج است و تنها خداوند از آن آگاه است. (ابن سینا؛ ۱۹۲۹: ۴۰-۴۱)

ابن مسکویه بر مرییان لازم می‌داند که هر متربی را به سوی سعادت خاص خودش رهنمون شوند و افراد جامعه را به دانش‌های عقلی و فکری مجهز کنند و آنها را در برگزیدن مشاغل و حرفه‌ها راهنمایی نمایند. (ابن مسکویه؛ ۱۳۷۱: ۸۰-۸۱)

خواجه نصیر الدین طوسی این اصل را در قالب دو اصل استعدادیابی و رعایت فهم و درک مخاطب بیان می‌دارد. (بهشتی و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۴۶/۲) از منظر او آدَمیان از جهت استعداد و توانایی ذهنی و علائق شخصی در زمینه یادگیری دانش و مهارت متفاوتند و این تفاوت در استعدادها و علائق افراد به علوم و فنون و مهارت‌های مختلف را تدبیری از جانب پروردگار می‌داند و آن را برای قوام جامعه بشری لازم می‌شمارد. (طوسی؛ ۱۳۶۹: ۲۲۷-۲۲۸) او اختلاف طبایع را یکی از عوامل اختلاف استعدادها و توانایی‌ها و علائق میان انسانها می‌داند که با شناسایی آنها می‌توان بهترین شغل و حرفه را برای فرد پیشنهاد داد. (طوسی، ۱۳۶۹: ۲۴۳-۲۴۴)

جلال الدین بلخی "اصل تفرد" را در قالب شعر به زیبایی بیان می‌کند؛

در تفاوت عقل‌ها را نیک دان در مراتب از زمین تا آسمان  
هر کسی را بهر کاری ساختند میل آن را در دلش انداختند

ایشان به تفاوت استعدادها و فردی اذعان داشته و معتقد است علاقه خاص به هر علم و فنی از جانب پروردگار به افراد مختلف داده شده است. (مولوی؛ ۱۳۷۵: دفتر پنجم/ ابیات ۴۶۰-۴۶۲)

از منظر غزالی تفاوت‌های فردی امری تکوینی و لازمه زندگی اجتماعی است (غزالی، ۱۳۶۴: ۱۰۹) و تفاوت در یادگیری و آموزش پذیری ریشه در تفاوت‌های فردی و نهادهای سرشتی هر فرد دارد. (رفیعی، ۱۳۸۱: ۱۴۶/۳-۱۴۱)



سعدی شیرازی، اصل تفرد را تحت عنوان ذوق شناسی و استعداد یابی بیان می‌کند. از منظر او افراد انسان اگرچه به ظاهر همانند هستند ولی از جهت هوش و ذوق و آمادگی‌های نفسانی یکسان نیستند و کشف این استعدادها و توانایی‌ها و شکوفا ساختن آنها به تکامل فرد و جامعه سرعت می‌بخشد و از هدر رفتن نیروها جلوگیری می‌نماید. او در ابواب مختلف گلستان به شناساندن طبایع و روحیات و استعدادهای مردم پرداخته و متناسب با ذوق و طبع آنها به نصیحت می‌پردازد. (سعدی؛ ۱۳۷۴: ۱۴۲)

ابن خلدون این اصل را تحت عنوان «توجه به میزان فهم و استعداد متعلم و پرورش تدریجی آن» بیان می‌کند. از منظر او میزان توانایی عقلی متعلم در درک موضوعات علمی باید شناسایی گردد و متناسب با استعداد فرد به او آموزش داده شود تا به تدریج فهم و درک او در یادگیری پرورش یابد. (ابن خلدون؛ ۱۹۸۸: ۵۳۳)

علامه محمد باقر مجلسی، هر چند کتاب یا نوشته خاصی در باب تعلیم و تربیت ندارد ولی می‌توان از کتابهای مختلف او در این زمینه بهره مند شد. ایشان این اصل را تحت عنوان «رعایت ظرفیت‌ها و توانایی‌ها» بیان می‌کند؛ از منظر او آدمیان دارای توانایی و ظرفیت‌ها و علایق متفاوتی هستند و از این رو بر معلمان و مربیان لازم است این توانایی‌ها و علایق متریبان را شناسایی کنند و بر پایه همان با متریبان سخن بگویند. (مجلسی؛ ۱۴۰۳: ۴/۶۶)

## ۲.۶ آرای دانشمندان متأخر

شعاری نژاد این اصل را تحت عنوان «توجه به استعدادهای محصل» مطرح می‌کند. او بر عقیده دانشمندان اسلامی بویژه ابن سینا صحه می‌گذارد که در تربیت دانش‌آموزان باید توانایی‌های آنان را مورد توجه قرار داد و بایستی فرصت‌هایی فراهم آورد که استعداد دانش‌آموزان آشکار شده و پرورش یابند؛ زیرا در غیر این صورت علاوه بر ناکامی در یادگیری و نفرت از تحصیل، از انتخاب شغل آینده و موفقیت در زندگی خود ناتوان خواهد شد. (شعاری نژاد، ۱۳۸۸: ۷۷۶). خسرو باقری در اصول تربیت خود این اصل را مطرح نمی‌کند. (باقری، ۱۳۹۴: ۵-۷) علامه مصباح در کتاب فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی این اصل را جز اصول تربیت مطرح نمی‌کند.

## ۷. دیدگاه مفسران قرآن

آیاتی که مربوط به انواع تفاوت هاست به چند دسته تقسیم می‌شود:

### ۷.۱ تفاوت بین زبان‌ها و رنگ پوست

آیه شریفه زیر به تفاوت‌های جسمی و ظاهری میان افراد توجه کرده است.  
«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافُ اللّسِنَاتِ وَاللّوَانِ كُمُ إِنَّ فِى ذٰلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعٰلَمِیْنَ» (روم، ۲۲)

و از نشانه‌های [قدرت] او آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبانهای شما و رنگهای شماست. قطعاً در این [امر نیز] برای دانشوران نشانه‌هایی است.

طبری به اختلاف منطق زبانها و لغات اشاره کرده است. (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱/۲۲) و مراد از اختلاف زبانها اینست که خداوند انسانها را از نظر شکل و اندازه و ترکیب به نحوی آفریده که نغمه‌ها و صداهای گوناگونی دارند تا آنجا که صدای دو برادر مشتبه نمی‌گردد. «وَالْوَانِ كُمُ» تفاوت در رنگ پوست است. این از نشانه‌های خلقت بدیع پروردگار و حکمت او می‌باشد تا جایی که با آن همه کثرت افراد انسانها حتی دو نفر از یک آب و خاک به شکل هم نمی‌باشند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۴۷۰) ابن کثیر، اختلاف السنه را به معنای زبانهای مختلف عرب، روم، بربر و حبشه و عجم و غیره معنا کرده است، و با اینکه تمام انسانها از روزی که خداوند حضرت آدم (ع) را آفرید تا روز قیامت، همگی دارای دو چشم و دو ابرو، پیشانی و بینی و دهان و دوگونه بوده‌اند، اما هیچکدام کاملاً شبیه دیگری نبوده و اندک تفاوتی با یکدیگر داشته‌اند، همچنین از لحاظ هیئت ظاهر و کلام. (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۶/۲۷۹) در کلام راغب، لسان به معنای زبان و قدرت تکلم است و اختلاف السنه اشاره به اختلاف لغت‌ها و تلفظ کلمات است؛ به گونه‌ای که برای هر شخصی لحن مخصوصی است که با گوش، صدایش تشخیص داده می‌شود. همانگونه که هر فردی را صورتی است که با رؤیت، قابل شناسایی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۴۰) این آیه به اختلاف زبان و رنگ پوست قوم‌های مختلف و ملاحظت و اصوات مختلف انسانها اشاره می‌کند و حکمتی از طرف پروردگار است تا انسانها از یکدیگر تمییز داده شوند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۶/۱۳۷) برای زبان هر انسانی نغمه خاصی [در پست و بلند و فصاحت و لکنت و غیر آن] است که گوش‌ها آن را متمایز از دیگران می‌دانند. جمیع زبانهای دنیا، ۷۲ زبان

است که به ۱۹ زبان فرزندان سام بن نوح و ۱۷ زبان فرزندان حام بن نوح و ۳۶ زبان فرزندان یافث بن نوح، تکلم می‌کنند و منظور از « أَلْوَانِكُمْ » رنگ پوست سفید و سیاه و قرمز و غیره است. (حقی بروسوی، بی تا: ۷ / ۲۰) از اختلاف السنه، اختلاف لغات و زبان‌ها و فرهنگ‌های زبانی مختلف بوجود می‌آید و در این اختلاف رنگها اسراری است، به گونه‌ای که در یک منطقه واحد، رنگ پوست افراد مختلف، شبیه یکدیگر نیست و اختلاف طبایع و مزاج‌ها و خصوصیات ذاتی وجود دارد. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۸ / ۱۱۸-۱۱۷) در این آیه، مفسران به اختلاف زبان‌ها و طنین مختلف صداها و اختلاف لغات و لهجه‌ها اشاره کرده‌اند و همچنین به اختلاف رنگ پوست افراد در مناطق مختلف جغرافیایی و یا حتی اختلاف رنگ پوست در یک منطقه، که به ویژگی‌های ژنتیکی انسانها بر می‌گردد. لازم به ذکر است که افراد با رنگ پوست متفاوت، مزاج‌های متفاوت دارند و از نظر شخصیتی، متنوع خواهند بود و این آیه از جمله آیاتی است که به این اصل اشاره صریح دارد.

## ۲.۷ تفاوت درجات بین انسانها

در آیات زیر به اختلاف درجات بین افراد مختلف اشاره شده است:

«وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ» (انعام، ۱۶۵)

و بعضی از شما را بر برخی دیگر به درجاتی برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید.

«نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا...» (زخرف، ۳۲)

و برخی از آنان را از [نظر] درجات، بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند...

اختلاف افراد در دارایی و فقر، و عافیت و صحت، و اولاد و سایر چیزهایی که رزق شمرده می‌شود، دلیل بر اینست که اختیار ارزاق و معیشت‌ها به دست انسان نیست، رزق دنیا به وسیله مشیتهای خدا در بین خلق تقسیم شده، نه به مشیت انسان. علاوه بر اینکه اراده و عمل انسانها در به دست آوردن رزق یکی از صدها شرط آن است، و بقیه شرائطش در دست آدمی نیست، و از انواع رزق، آنچه مطلوب هر کسی است وقتی به دست می‌آید که همه آن شرائط دست به دست هم دهند، و اجتماع این شرائط به دست خدایی است که

تمامی شرائط و اسباب به او منتهی می‌شود؛ اما جاه و آبرو نیز از ناحیه خدا تقسیم می‌شود، چون متوقف بر صفات مخصوصی است که به خاطر آن درجات انسان در جامعه بالا می‌رود، و با بالا رفتن درجات می‌تواند پایین‌دستان خود را تسخیر کند و در تحت فرمان خود درآورد، و آن صفات عبارت است از فطانت، زیرکی، شجاعت، علو همت، قاطعیت عزم، داشتن ثروت، قوم و قبیله و امثال اینها، که جز به صنع خدای سبحان برای کسی دست نمی‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸/۹۹) اختلاف درجات در آیه ۱۶۵ سوره انعام، اختلاف در جاه و قدر و مال و حکمت آن را امتحان الهی است. (قمی، ۱۳۶۷: ۱/۲۲۲؛ گنابادی ۱۴۰۸: ۲/۱۶۸) طبرسی به نقل از سدی، برتری برخی بر دیگران را از لحاظ رزق می‌داند و به نقل دیگر برتری درجه، از لحاظ صورت و عقل و عمر و مال و نیرو بر درجه دیگران است و این معنی جامع‌تری است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۶۰۶) ابن کثیر، تفاوت در ارزاق و اخلاق و محاسن و رنگ‌ها و اشکال گوناگون را به منظور امتحان بشر مطرح می‌کند. (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۳/۳۴۶) این آیات، به تفاوت مال و رزق و آبرو و اختلاف طبقات اقتصادی و خانوادگی در نظام اجتماعی اشاره می‌کند که در زیرگروه تفاوت‌های فردی قرار می‌گیرد.

در آیات زیر درجات به معنای کرامت و علو منزلت مؤمنان است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۱/۴۲۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳/۵۰)

«الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ» (انفال، ۳-۴)

همانان که نماز را به پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. آنان هستند که حَقاً مؤمنند، برای آنان نزد پروردگارشان درجات و آمرزش و روزی نیکو خواهد بود.

در بهشت بر حسب کمال ایمان و اعمال صالح برای انسانها درجاتی است. (ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲: ۵/۲۷۴) درجه به معنای کرامت و شرف در نزد خداوند تعالی با عنایاتش در دنیا و در آخرت با نعمت‌های عظیم می‌داند. (ابن عاشور، بی تا: ۹/۲۲) درجات، مراتب قرب است و اهل ایمان با اینکه تماماً اهل نجات و سعادت‌مند می‌شوند ولیکن درجات مختلف دارند. (طیب، ۱۳۷۸: ۶/۷۷)

این دسته آیات، به اختلاف مراتب مادی و معنوی انسانها اشاره می‌کند که به تفاوت‌های فردی منجر خواهد شد.

### ۳.۷ تفاوت درجات از لحاظ علم

آیه زیرمربوط به داستان حضرت یوسف (ع) و نگه داشتن برادرش بنیامین در نزد وی است:

«... نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَأٍ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ» (یوسف، ۷۶)

.... درجات کسانی را که بخواهیم بالا می‌بریم و فوق هر صاحب دانشی دانشوری است در این آیه بالا بردن درجه بوسیله مقام علم و نبوت مد نظر است، و برخی بوسیله تقوی و توفیق و عصمت و الطاف جمیل دیگر را مطرح کرده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۳۸۷) و یا بالا بردن درجات، بوسیله علم است؛ همانگونه که خداوند درجه یوسف (ع) را بالا برد (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۷۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۱/۵۸۲) درجات، در این آیه استعاره از توانایی و شرف و جایگاه حضرت یوسف (ع) است و از نوع استعاره محسوس برای معقول است. (ابن عاشور، بی تا: ۱۲/۱۰۰) در این آیه خداوند به افاضه به قدر قابلیت و استعداد افراد اشاره می‌فرماید؛ انبیاء را به تفاوت مراتب آنها و اولیاء را به اندازه قابلیت آنها. (طیب، ۱۳۷۸: ۷/۲۴۵)

آیه شریفه «... يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله، ۱۱)

.... تا خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلند گرداند، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است

به ارزش والای ایمان و علم در نزد خداوند متعال اشاره دارد و اینکه رتبه بندی انسان در نزد خداوند بر حسب ایمان و علم هر انسانی خواهد بود (فضل الله، ۱۴۱۹: ۷۳/۲۲) بالا بردن انسان توسط خداوند در دنیا به شهرت و عزیز بودن بین مردم و تسلط بر آنها و در آخرت در درجات بهشت و بالا بردن درجات را مخصوص مؤمنین گردانید، چون غیر مؤمنین درجه‌ای ندارند. (گنابادی، ۱۴۰۸: ۴/۱۵۷) و نکره بودن درجات، اشاره به انواع درجات در دنیا و آخرت دارد. (ابن عاشور، بی تا: ۲۸/۳۷) و هر چه ایمان قوی تر و علم بیشتر باشد درجات بالاتر می‌رود. (طوسی، بی تا: ۹/۵۵۱؛ طیب، ۱۳۷۸: ۱۲/۴۵۶)

این آیات به اختلاف درجات انسانها از منظر علم و دانش اشاره می‌کند؛ انسانها تفاوت های ذاتی با یکدیگر دارند اما تفاوت های ذاتی، تنها ملاک تفاوت های فردی نیست؛ بلکه یکی از این ملاک ها میزان تلاش و کوشش برای کسب علم است و خداوند با لحاظ کردن این تلاش، افاضات متفاوتی به انسان می‌کند.

## ۴.۷ تفاوت در وسع و طاقت

مضمون آیه زیر چند بار در آیات دیگر قرآن با ضمیرهای مختلف تکرار شده است. (بقره، ۲۳۳؛ اعراف، ۴۲)

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره، ۲۸۶)

خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند

وسع، به قدرت و طاقت تفسیر شده است؛ ولی مقصود از آن در هر جای قرآن، توان و تحمل نفس است، خواه در مورد اموال باشد یا افعال و اسم مصدر است به معنی آنچه که نفس تاب و توان آن را دارد، مثلاً در مال باید مقداری باشد که نفس طاقت و تحمل آن را دارد، بدین نحو که با انفاق کردن نقصانی در آن ظاهر نشود، و در فعل باید فعلی باشد که نفس توان انجام آن را داشته باشد، بدین گونه که برای نفس در انجام آن کار زحمت و مشقتی حاصل نشود. پس وسع نفس یعنی کمتر از حد طاقت در کارها و کمتر از حد قدرت و ظرفیت انسان. سنت الهی است که از مراحل ایمان آن مقدار را بر هر یک از بندگان خود تکلیف کرده که در خور فهم او باشد، و از اطاعت آن مقداری را تکلیف کرده که در خور نیرو و توانایی بنده باشد. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲/۴۴۳-۴۴۴) وسع، به معنی سعه در مقابل ضیق است؛ بدان معنا که خداوند در تکلیف، بر بندگان تنگ‌گیری نمی‌فرماید و آنها را به زحمت و حرج نمی‌اندازد. (طیب، ۱۳۷۸: ۳/۹۳) تکلیف نکردن خداوند به بیش از توانایی فردی و اجتماعی انسان از سنت‌های الهی است، تکلیف ممکن است کمتر از وسع باشد اما بیشتر از آن نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۲/۷۱۵)

این آیه به تحمل و طاقت متفاوت انسانها اشاره می‌کند و یک آیه مبنایی است و می‌توان اصل تفاوت‌های فردی را از آن برداشت نمود که با توجه به طاقت متفاوت افراد، در تربیت و آموزش، باید به سن و توانایی ادراکی و طاقت افراد توجه نمود.

## ۵.۷ تفاوت بین مراتب پیامبران

در آیات زیر با کلید واژه فضل به این تفاوت‌ها اشاره شده است:

«تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ..» (بقره،

برخی از آن پیامبران را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم. از آنان کسی بود که خدا با او سخن گفت و درجات بعضی از آنان را بالا برد ....

و «وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا» (اسراء، ۵۵)

و در حقیقت، بعضی از انبیا را بر بعضی برتری بخشیدیم و به داوود زبور دادیم

فضل، از جانب خداوند تعالی عبارت است از عطای بیش از حد لازم و مقرر در تأمین معاش مادی و معنوی و از مصادیق آن می‌توان به رحمت و اجر عظیم و خشنودی و رضوان خداوند و عفو و مغفرت و بالا رفتن مقام تکوینی و تشریحی اشاره کرد. فضل ابتدائی و تکوینی، فضلی است که در اصل خلقت و بعد از آن بوده است و این فضیلتی خاص است که مربوط به پیامبران بوده است.<sup>۱</sup> (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۰۶/۹-۱۰۷)

تفاوت بین مراتب پیامبران از نوع تفاوت‌های تکوینی است و این نوع تفاوت‌ها که شامل فضل خاص خداوند بر برخی انسانهاست و مربوط به تفاوت‌های فردی در تعلیم و تربیت انسان عادی نمی‌شود، زیرا علمی که خداوند به پیامبران عطا می‌کند از نوع علم لدنی است نه علم حصولی .

## ۶.۷ تفاوت بین زن و مرد

در این آیات به تفاوت‌های بین نوع زن و نوع مرد اشاره می‌گردد:

«وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (نساء، ۳۲)

و زنهار، آنچه را خداوند به [سبب] آن، بعضی از شما را بر بعضی [دیگر] برتری داده آرزو مکنید. برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است، و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است. و از فضل خدا درخواست کنید، که خدا به هر چیزی داناست.

فضل در این آیه، فضیلت در امور دنیوی مانند جاه و مال است و برای هر زن و مردی فضل و نصیبی قرار داده شده است به سبب آنچه کسب می‌کند و فضل با عمل از درگاه خداوند کسب می‌گردد نه با آرزو کردن و حسد ورزیدن. با توجه به جمله پایانی آیه، معلوم می‌گردد که خداوند با علم خود می‌داند که هر انسانی چه استحقاقی دارد. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲/۷۱-۷۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۱/۲۰۶) جوادی آملی در تفسیر این آیه

به تفاوت های انسانها از لحاظ امکانات و استعدادها و هوش و توانمندی و قدرت فکری و بدنی در زمینه تحصیل امور مادی و معنوی اشاره می کند و واژه «فَضْل» در این آیه را به معنای جامع برکات مادی و معنوی دانسته و اطلاق آن هر دو را در بر می گیرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴۸۸-۴۸۹)

در آیه «وَالرِّجَالُ عَلَىٰ نِسَائِهِمْ دَرَجَةً وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (بقره، ۲۲۸)

و مردان بر آنان (زنان) درجه برتری دارند، و خداوند توانا و حکیم است. منظور برتری مردان بر زنان در سیاست و تنظیم امور زندگی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۱۰) در روایتی ذیل این آیه آمده که زنی نزد رسول الله (ص) آمد و پرسید که حق مرد بر زن چیست؟ پیامبر اکرم (ص) فرمودند: او را اطاعت کند و معصیت نکند و چیزی را بدون اجازه همسرش صدقه ندهد، روزه مستحبی بدون اذن او نگیرد و خود را از او منع نکند و بدون اجازه همسرش از خانه خارج نشود و بزرگترین حقی که بر گردن یک زن هست، حق شوهرش است. (بحرانی؛ ۱۴۱۶: ۱/۴۷۵) از منظر برخی مفسران درجه به معنای منزلت و اصالت است و مردان در بین خودشان متفاوت و درجه بندی هستند؛ برتری مرد بر زن امری از چند وجه است: وجه اول از نظر ۱. عقل ۲. دینه ۳. ارث ۴. امامت و قضاوت و شهادت ۵. ازدواج ۶. حق طلاق ۷. سهم مردان در غنیمت. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۶/۴۴۱) انواع عوامل برتری انسانها نسبت به یکدیگر را به صورت زیر می توان دسته بندی کرد:

- ۱- نوعی از آن هیچ پیوندی با اکتساب نداشته و از راه کار و کوشش به دست نمی آید، مانند مزیت اعتدال قامت و اندام و قدرت و بنیه بدنی و شرافت نسب که آرزو کردن اینگونه مزایا- جز از نابخردی و کم عقلی و فرومایگی روانی- از چیز دیگری مایه نمی گیرد و سرانجام آن هلاک و نابودی و سقوط شخصیت است.
- ۲- نوعی دیگر، اکتسابی است و از راه کوشش و تلاش به دست می آید؛ مانند مال و جاه و مقام و امثال آنها که باید از رهگذر اکتساب و کوشش جویای آن گردید. (حجتی، ۱۳۷۷: ۲۴۱-۲۴۲)

## ۸. مقایسه

در قرآن کریم، برخی آیات به مبانی و برخی به اصل تفاوت های فردی اشاره داشته اند: هم به تفاوت های فردی تکوینی و هم به تفاوت های غیر تکوینی اشاره شده است:



ردیف	آیه	دیدگاه مفسران	برداشت نویسنده	تحلیل
۱	روم/ ۲۲	تفاوت های رنگ پوست و تفاوت در زبان و لهجه	تفاوت های جسمی و مزاجی	تولد و زندگی در مناطق مختلف جغرافیایی در مؤلفه های آموزشی تأثیرگذار است
۲	بقره/ ۲۲۸ و ۲۳۳	تفاوت در نوع مرد و زن و تفاوت در احکام زن و مرد از جمله ارث، دیه و ..	تناسب حقوق و وظایف زنان و مردان با وجود تفاوتها	برخی از تعالیم آموزشی بین دختران و پسران بایستی یکسان باشد و قسمتی از تعالیم باید برای هر گروه منحصر به فرد باشد
۳	انعام/ ۱۶۵ و زخرف/ ۳۲	تفاوت و برتری در قدرت و ثروت و توان	عده ای چون ثروت و قدرت و نفوذ بیشتری دارند، نباید بهترین امکانات آموزشی را در اختیار آنها قرار داد	تفاوت ها در سطح زندگی نبایستی در تقسیم امکانات آموزشی، تأثیر بسزایی بگذارد
۴	بقره/ ۲۵۳	خداوند هر پیامبری را به گونه ای خاص، بر سایر پیامبران برتری داد	عنایت خداوند به هر پیامبری بنا بر ویژگی های خاص شخصیتی او بوده است	فضیلت دادن برخی از پیامبران بر برخی دیگر از صنف تفاوت های تکوینی در نظام آفرینش است و در امور آموزشی، جایگاهی ندارد
۵	بقره/ ۲۸۶	توان و تحمّل نفس هر انسانی از نظر فعلی و مالی با دیگران متفاوت است.	افراد در زمینه های آموزشی توان یکسان ندارند	به علت تفاوت در میزان و نوع توانایی و استعداد افراد، مربی به همه افراد نمی تواند تکلیف یکسان دهد
۶	یوسف/ ۷۶	بالا بردن درجه بوسیله مقام علم و نبوت	خداوند مقام اهل دانش را به سبب علم آنها بالا می برد	حقیقت علم ملاک توجه و عنایت خداوند به بندگان است
۷	نساء/ ۳۲	فضیلت و برتری در امور دنیوی و معنوی	تلاش و کوشش می تواند انسانها را از هر نظر از دیگران متمایز کند	در امور آموزشی نباید فقط به هوش و استعداد و امکانات، تکیه کرد و یا افرادی که از استعداد و امکانات کمتری برخوردارند حسرت بخورند، با تلاش و کوشش می توان بسیاری از کمبودها را جبران کرد
۸	مجادله/ ۱۱	خداوند در دنیا درجات مؤمنان و عالمان را با	ملاک رتبه بندی خداوند ایمان و	در جامعه و در نظام تعلیم و تربیت باید به شأن و مقام استاد

و دانشجو اهمیت ویژه داد	علم است.	شهرت و عزیز بودن بین مردم و تسلط بر آنها بالا می برد و در آخرت با صعود در درجات بهشت		
ایمان واقعی سبب برتری انسان بر دیگران در همه امور زندگی خواهد شد	برتری مؤمنین نسبت به سایر مردم	کرامت و علو منزلت مؤمنان	انفال/ ۴	۹

## ۹. تحلیل و نقد

در آیه ۲۲ سوره روم، خداوند تفاوت های زبانی و رنگ پوست انسانها را مطرح می کند و در واقع به طور غیر مستقیم به تفاوت های مزاجی و خلیقات روحی افراد مناطق مختلف اشاره می کند و این تفاوت ها را با واژه «اختلاف» تعبیر می کند؛ در این قسمت یک مبنای تکوینی در نظام آفرینش مطرح می شود؛ و در انتهای آیه نشانه بودن برای عالمان بیان می گردد و به کار بردن آن در انتهای آیه می تواند بدین منظور باشد که در هر زبان و در هر منطقه جغرافیایی با رنگ پوست و مزاج متفاوت نوع آموزش و مواد آموزشی باید متفاوت باشد و از این قسمت آیه می توان اصل تفاوت های فردی در آموزش را برداشت نمود.

در آیه ۲۲۸ سوره بقره که تفاوت درجه بین زنان و مردان یا تفاوت بین درجات مردان و یا تفاوت احکام مردان نسبت به زنان در مورد دیه، ارث، شهادت و ... توسط مفسران مطرح می گردد، می توان مبنای متفاوت بودن دو گروه زن و مرد و یا متفاوت بودن هر فردی را در گروه خودش مطرح نمود اما برداشتی که از آیه می توان داشت این است که زن و مرد از لحاظ روحیات متفاوت هستند و چه بسا تفاوت درجه در نوع خاص هر یک نیز متغیر است، بنابراین باید در آموزش به این مبنای توجه کرد و همه مواد آموزشی و نوع آموزش را برای این دو گروه یکسان در نظر نگرفت و با توجه به روحیات و نیازهای هر یک در زندگی، به این مقوله پرداخت؛ امروزه در نظام آموزش و پرورش اغلب کتابهای درسی، برای هر دو گروه یکسان چاپ می شود و در نظام آموزش عالی، در بسیاری از رشته های تحصیلی پذیرش با ظرفیت مساوی انجام می گیرد و این یک امتیاز مثبت فرض می شود و چه بسا یک خانم و یا یک آقا با تحصیل در یک رشته که مطابق ویژگی روحی او نبوده است، بسیاری از صفات زنانه و یا مردانه خود را که در زندگی به آنها نیاز دارد از

دست بدهد و بعد از سالها متوجه این زیان گردد که زمان جبران آن گذشته است در حالی که این باید و نبایدهای تجویزی در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است.

در آیه ۳۲ سوره زخرف و ۱۶۵ سوره انعام، اختلاف درجه بین انسانها از نگاه مفسران، تفاوت و برتری در قدرت و ثروت و توان افراد مختلف است و قسمتی از آن مربوط به امور تکوینی است و بخشی مربوط به امور غیرتکوینی است و به تفاوت‌های فردی هم اشاره می‌کند. مقصود خداوند از ایجاد این تفاوت در نگاه مفسران آزمایش‌بنندگان است و سربلندی در این امتحان الهی می‌تواند این باشد که فردی که از ثروت و استعداد خاصی بهره‌مند است، این ثروت و استعداد خود را در راهی که برای جامعه مفید و مؤثر است بکار گیرد.

در آیه ۲۵۳ سوره بقره، ملاک فضیلت برخی از پیامبران بر برخی دیگر ویژگی‌های معرفتی و شخصیتی آنان بوده است و این فضیلت یک مبنای تکوینی داشته است؛ اما در مورد نظام آموزشی این معیار را می‌توان برداشت نمود که چون برخی از انسانها به هر دلیل از لحاظ استعداد خدادی برتر از دیگران هستند، باید استعدادشان را شناسایی نمود و مطابق با استعدادشان به آنها آموزش داد.

اندیشمندان علوم تربیتی از دیرباز به تفاوت‌های فردی انسان‌ها و استعدادهای مختلف آنها توجه داشتند؛ اینکه وظیفه مربی آن است که این استعدادها را به درستی شناسایی کند و به دانش آموز، استعدادیابی را بیاموزد تا بتواند استعدادهای خودش را کشف کند و با توجه به علاقه و استعداد خود به علوم و صناعات مختلف روی آورد؛ اما در این میان به آیه خاصی از قرآن اشاره نکرده‌اند.

در آیه ۳۲ سوره نساء با توجه به نظر مفسران، خداوند به تفاوت در خصوصیات و ویژگی‌هایی که موجب برتری مادی و معنوی برخی از انسانها بر برخی دیگر شده است، اشاره می‌کند، اما این برتری‌ها نباید باعث حسرت دیگران شود، بلکه هر زن و مردی با توجه به تلاشی که در زندگی انجام می‌دهد، نصیب و بهره‌ای خواهد برد؛ اینکه سطح زندگی انسانها از لحاظ مادی و معنوی متفاوت است بنابراین مصالحی بوده است؛ اما قرار نیست هرکس تا آخر عمر در همان سطح زندگی بماند بلکه لازم است با کار و تلاش، مقام مادی و معنوی و علمی خود را ارتقا دهد. در زمینه تعلیم و تربیت نیز هرکس استعداد و مزایای مادی و معنوی متفاوتی از دیگران دارد اما نباید به آنها بسنده کرد و از ماندن در

همان مقطع راضی بود بلکه باید پیوسته با تلاش و پشتکار، جایگاه خود را در جامعه بالا برد.

با توجه به آیه ۲۸۶ سوره بقره، از نگاه مفسران خداوند به اندازه تحمل و طاقت نفس از انسان تکلیف می‌خواهد. انسان‌ها از لحاظ توان مالی و توانایی نفس در امور مختلف متفاوت هستند و خداوند از هر کس بنا بر توان خودش تکلیف می‌خواهد؛ با توجه به این آیه، انسانها دارای طاقت‌های متفاوت هستند و مربی بایستی با توجه به سن و جنسیت و سطح تحمل فرد به او آموزش دهد و از او تکلیف بخواهد.

ملاک‌های برتری در بین انسانها متفاوت از ملاک‌های برتری خداوند است. از نظر مفسران در آیه ۱۱ سوره مجادله، خداوند مقام اهل ایمان و اهل علم را بالا می‌برد و این برتری در دنیا با عزت و تسلط معنوی آنها بر سایر مردم و در آخرت در برتری درجات بهشتی است.

از نگاه مفسران تفاوت‌های تکوینی که شامل تفاوت بین زن و مرد و تفاوت در ذات انسانهاست قابل قبول است و هر فردی با توجه به همان استعداد ذاتی، بایستی استعداد خود را بشناسد و در مسیر تعلیم و تربیت گام نهد، اما تفاوت‌های فردی غیر تکوینی که شامل تفاوت بین طبقات اجتماعی و سیاسی در یک اجتماع است، قابل قبول نیست و در نظام تعلیم و تربیت نباید لحاظ شود و هرکس با تلاش و کوشش باید سعی کند خود را به بهترین جایگاه علمی و معنوی برساند. لازم به ذکر است که تفاوت‌های فردی که ناشی از اختلاف طبقاتی یا سهل‌انگاری خود فرد است، هیچ‌گونه ربطی به دستگاه آفرینش ندارد. (الهی، ۱۳۷۳: ۷۴/۱۰)

## ۱۰. نتیجه‌گیری

قرآن کریم بر تفاوت‌های فردی بین انسانها صحنه گذاشته و توانایی و طاقت هر انسانی را منحصر به فرد می‌داند و این تفاوت‌ها را طبقه‌بندی می‌کند؛ برخی از این تفاوت‌ها مربوط به ویژگی‌های جسمی و نژادی و منطقه‌زندگی انسان است، برخی مربوط به ذات زن و مرد است که این آیات مربوط به تکوین نظام آفرینش است. برخی از این تفاوت‌ها، موجب برتری گروهی بر گروه دیگر است؛ ۱- مانند برتری و فضیلت پیامبران بر سایر مردم و برتری برخی پیامبران بر دیگر پیامبران ۲- فضیلت برخی از مردم بر دیگران از لحاظ رزق و یا مال و ثروت ۳- رفعت درجه گروهی بر گروه دیگر که از دو جنبه قابل بررسی

است؛ ۳-۱- رفعت درجه به قصد امتحان الهی به این معنا که خداوند گروهی را زیر دست و گروه دیگر را بالا دست قرار داده و حکمت این امر آزمایش الهی است. ۳-۲- رفعت درجه صاحبان علم و مؤمنین بر سایر مردم که خود خداوند رفعت مقام آنها را عهده دار خواهد بود.

با توجه به تفاوت های ذاتی انسان ها مانند مرد بودن و زن بودن و یا اختلاف هایی که مربوط به نژاد خاص و یا مربوط به منطقه جغرافیایی خاص است، پیشنهاد می گردد برای برنامه ریزی های خرد و کلان و تألیف محتوای درسی این تفاوت ها مورد توجه نظام آموزش و پرورش قرار بگیرد؛ بدین معنا که لازم نیست تمام دروس در همه مناطق جغرافیایی به طور ثابت تدریس شوند، بلکه برخی از دروس باید به طور اختیاری و مطابق آداب و رسوم و ذوق و سلیقه و استعداد فراگیر انتخاب شوند. همچنین مربی باید مطابق استعداد و روحیه فراگیر به امر آموزش و پرورش او اهتمام ورزد. دسته ای از آیات که تفاوت و برتری گروهی بر گروه دیگر را با تعبیر فضل بیان کرده است؛ اینگونه برتری ها اگر مربوط به پیامبران باشد، تفاوت و برتری با انتخاب و مصلحت خداوند و خارج از اختیار بشر بوده است و این دسته از تفاوت ها در برنامه ریزی های نظام تعلیم و تربیت جایگاهی ندارد و اگر مربوط به فضایل ثانویه باشد، با تلاش و کوشش برای هر فردی قابل اکتساب است. گاه تفاوت ها ذاتی و خارج از اختیار بشر است مانند استعداد خاص هر انسان، گاهی تفاوت در برتری های غیر ذاتی و در اختیار بشر است و از راه تلاش و پشتکار بدست می آید؛ این دو دسته از آیات در نظام تعلیم و تربیت کاربردی است و می تواند به عنوان مؤید در اصل تفاوت های فردی بیان گردد.

### پی نوشت ها

۱. اشاره به علم نژاد شناسی یوژنیکس (Eugenics)
۲. اشاره به علم مرفولوژی (Morphology)
۳. <https://www.yjc.ir/fa/news/6650873>
۴. <https://www.beytoote.com/scientific/chera/type3-soil.html>
۵. زیبا کلام مفرد و همکاران، ۱۳۸۷ش، روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۸۴، صص ۸۹-۱۱۴
۶. بصیری و همکاران، ۱۳۹۴ش، پژوهشنامه تقلین، شماره ۲، صص ۲۲۹-۲۵۴

۷. اصطلاح عربی، تفاوت‌های فردی؛ ر.ک «فرهنگ و اصطلاحات روانشناسی و علم النفس سه سوپه»، اعظم مجیدی، تهران، ایرانیان طب، ۱۳۹۶ش، ص ۵۸
۸. اشاره به آیه ۲۵۳ سوره بقره

## کتاب‌نامه

- قرآن کریم ترجمه فولادوند
- ابن بابویه، محمد بن علی؛ ۱۳۸۵ش، *علل الشرایع*؛ قم: کتابفروشی داوری
- ابن خلدون، عبدالرحمن؛ ۱۹۸۸م، *مقدمه ابن خلدون*؛ بیروت: دارالفکر
- ابن سینا، ابوعلی؛ ۱۹۲۹م، *تدابیر المنازل اوالسیاسات الاهیة*؛ به کوشش جعفر نقدی، بغداد: مجله المرشد
- ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ بی تا، *التحریر و التنویر*؛ بی جا: بی نا
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو؛ ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)*؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون
- اخوان الصفاء؛ ۱۴۰۵ق، *رسائل*؛ قم: مرکز النشر (مکتب الاعلام الاسلامی)
- الهی، الله قلی؛ ۱۳۷۳ش، «تفاوت‌های فردی»، *مجله معرفت*، شماره ۱۰
- امینی، ابراهیم؛ ۱۳۷۲ش، *اسلام و تربیت*؛ تهران: انجمن اولیاء و مربیان
- باقری، خسرو؛ ۱۳۹۴ش، *نگاهی نوبه تربیت اسلامی*؛ تهران: انتشارات مدرسه
- بحرانی، سید هاشم؛ ۱۴۱۶ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: بنیاد بعثت
- بصری، حمیدرضا و همکاران، ۱۳۹۴ش، «تفاوت‌های فردی ناشی از عوامل ژنتیکی از دیدگاه قرآن و روایات معصومین (ع)»، *مجله پژوهشنامه تقلین*، دوره دوم، شماره ۲
- بهشتی، محمد و همکاران؛ ۱۳۷۹ش، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، جلد ۲، تهران: سمت
- بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ ۱۴۱۸ق، *أنوار التنزیل وأسرار التأویل*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی
- پرموزیک - چامورو، توماس؛ ۱۳۹۱ش، *تفاوت‌های فردی*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر روان
- جاحظ، عمرو بن بحر؛ ۱۹۵۵م، *العثمانیه*؛ مصر: دارالکتب العربی
- جوادی آملی، عبدالله؛ ۱۳۸۶ش، *تفسیر قرآن کریم تسنیم*، ج ۱۲، قم: مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله؛ ۱۳۸۸ش، *تفسیر قرآن کریم تسنیم*، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء
- جیمز، فرانسیس، کیت براون، ۱۳۸۲ش، *یادگیری مبتنی بر تفاوت‌های فردی*؛ ترجمه مجید نعمتی و حیدر تورانی، تهران: نشر قو
- حجتی، محمدباقر؛ ۱۳۷۷ش، *اسباب النزول (حجتی)*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

- حقی بروسوی، اسماعیل، بی تا، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر  
دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳ش، لغت نامه دهخدا، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران  
راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن؛ دمشق بیروت: دارالعلم الدار  
الشامیه، دمشق  
رفیعی، بهروز، ۱۳۸۱ش، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن: امام محمد غزالی، قم:  
پژوهشکده حوزه و دانشگاه  
زمخشری، محمود؛ ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ بیروت: دار الکتب العربی  
زیبا کلام مفرد، فاطمه و همکاران، ۱۳۸۷ش، «بررسی دیدگاه ابن سینا در باب تعلیم و تربیت»،  
روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۸۴  
سعدی، مصلح الدین؛ ۱۳۷۴ ش، گلستان؛ تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ چهارم، تهران:  
خوارزمی  
سید رضی، محمد بن حسین؛ ۱۳۸۹ش، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات نبوغ  
شعاری نژاد، علی اکبر؛ ۱۳۶۴ش، فرهنگ علوم رفتاری؛ تهران: امیرکبیر  
شعاری نژاد، علی اکبر؛ ۱۳۸۸ش، فلسفه جدید تربیت؛ تهران: اطلاعات  
طباطبائی، محمدحسین؛ ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی  
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم  
طبرسی، فضل بن حسن؛ ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: ناصر خسرو  
طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه  
طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن؛ ۱۳۷۱ش، التبیان فی تفسیر القرآن؛ قم: موسسه النشر الاسلامی  
طوسی، نصیرالدین؛ ۱۳۶۹ ش، اخلاق ناصری؛ تصحیح و توضیح مجتبی مینوی و علیرضا مرادی، تهران:  
خوارزمی  
طیب، سید عبدالحسین؛ ۱۳۷۸ش، أظیب البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: اسلام  
غزالی، ابوحامد؛ ۱۳۶۴ ش، احیاء علوم الدین؛ ترجمه مؤید الدین خوارزمی به کوشش حسین خدیو  
جم، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی  
فارابی، ابونصر؛ ۱۴۰۴ ق، الالفاظ المستعمله؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات الزهراء  
فارابی، ابونصر؛ ۱۴۰۵ ق، السیاسه المانیه؛ چاپ اول، تهران: انتشارات الزهراء  
فارابی، ابونصر؛ ۱۴۰۵ق، فصول متنزعه؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات الزهراء  
فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر؛ ۱۴۲۰ ق، معاتج الغیب؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی  
فرهیمینی فراهانی، محسن، ۱۳۷۸ش، فرهنگ توصیفی علوم رفتاری، تهران: اسرار دانش  
فضل الله، سید محمد حسین؛ ۱۴۱۹ق، تفسیر من وحی القرآن؛ بیروت: دار الملائک للطباعه و النشر  
فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۸ق، الأصفی فی تفسیر القرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی

- قمی، علی بن ابراهیم؛ ۱۳۶۷ش، تفسیر قمی، تحقیق سید طیب موسوی جزائری، قم: انتشارات دارالکتاب
- گنابادی، سلطان محمد؛ ۱۴۰۸ ق، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العبادة؛ چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات
- گنجی، حمزه؛ ۱۳۷۵ش، روانشناسی تفاوت های فردی؛ تهران: مؤسسه انتشارات بعثت مجلسی، محمدباقر؛ ۱۴۰۳ ق، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء
- مجلسی، محمد باقر؛ ۱۴۰۴ ق، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الإسلامیة
- مجیدی، اعظم؛ ۱۳۹۶ش، فرهنگ و اصطلاحات روانشناسی و علم النفس سه سویه، تهران: ایرانیان طب مسکویه، احمد؛ ۱۳۷۱ ش، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق؛ قم: بیدار
- مصباح یزدی، محمد تقی؛ ۱۳۹۱ش، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی؛ دوم، تهران: مدرسه مصطفوی، حسن؛ ۱۳۳۸ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- مغنیه، محمد جواد؛ ۱۴۲۴ ق، تفسیر الکاشف؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة
- ملاحویش آل غازی، عبدالقادر؛ ۱۳۸۲ق، بیان المعانی؛ ج ۵، دمشق: مطبعة الترقی
- مولوی، جلال الدین محمد؛ ۱۳۷۵ ش، مثنوی معنوی؛ تهران انتشارات ناهید
- واحدی، علی بن احمد؛ ۱۴۱۱ ق، اسباب نزول القرآن (واحدی)؛ بیروت: دارالکتب العلمیه
- منابع اینترنتی:

<https://www.yjc.ir/fa/news/6650873> تاریخ دسترسی ۱۳۹۹/۴/۲۸

<https://www.beytoote.com/scientific/chera/type3-soil.html> تاریخ دسترسی ۱۳۹۹/۴/۲۹